

وقف
کتابخانه عمومی دفتر تبلیغات
اسلامی «قدم»
منچو گوئو

۲

رقابت روس و ژاپون در منچوری - از فرن ۱۷ که دولت روسیه با خال منچوری همسایه شد در سال ۱۶۸۹ بوسیلهٔ معاهدهٔ نرجینسک سرحد بین سیبری و منچوری معلوم شد و سپس در عهدنامهٔ کیاختا (۱۷۲۵) اندکی پیشرفت نصیب روسیه شد. بر طبق معاهدهٔ آی کون (۱۸۵۸) ساحل چپ رود آمور تسلیم روسیه شد و اندکی بعد یعنی در سال ۱۸۶۰ بر اثر معاهدهٔ یکن اراضی بین اوسوری و دریا نصیب روسیه گردید. اما وسعت دایمتهٔ نفوذ روسیه در این ناحیه با نفوذ دولت دیگری مصادم شد.

معاهدهٔ شی مونوزکی که بوسیلهٔ آن در ۱۷ آوریل ۱۸۹۵ جنگ چین و ژاپون خاتمه یافت شامل ماده‌ای بود که بر طبق آن شبه جزیرهٔ لیاوتونگ که در قسمت جنوبی به پرت آرتو و داتیرن ختم میشود، بدولت ژاپون واگذار گردید ولی بر اثر اقدامی که روسیه با حمایت آلمان و فرانسه کرد دولت ژاپون ناچار شد که بر اثر معاهدهٔ یکن (۸ نوامبر ۱۸۹۵) این قسمت را دوباره بچین واگذار کند.

چند ماه بعد در جشن ناچگذارانی نیکلای دوم در سن پترزبورغ نمایندهٔ «لی هونگ شانگ» امپراطور چین با وزیر خارجهٔ روسیه مجرمانه معاهدهٔ اتحاد چین و روسیه را امضاء کرد (۱۸۹۶م). در این معاهده بر اثر پیش بینی که در باب خصومت ژاپون و روسیه بر سر این عهدنامه شده بود تمام بنادر چینی بروی روسیه باز و بدولت روسیه اجازه داده شد که بسرعتی تمام راه آهن سیبری را از طریق منچوری با «ولادی و ستک» وصل کند. پس از اینکه هیئت اعزامی روسیه برای انشاء راه آهن به منچوری مامور شد از طرف دولت چین بآن در منطقهٔ خط آهن نفوذ کامل داده شد و بالاخره پس از دو سال از طرف دولت چین شبه جزیرهٔ لیاوتونگ سابق الذکر با حق اتصال آن بخارین شهر مهم سر راه خط آهن منچوری که فوقاً نام بردیم بدولت روسیه واگذار شد. بنا بر این منچوری بوسیلهٔ دو خط آهن شرقی و غربی و شمالی و جنوبی در تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی روسیه در میآمد. پس از انقلاب حزب «مشت زنان» در سال ۱۹۰۰ و اغتشاشات داخلی چین دولت روسیه تصور کرد که میتواند منچوری را بچنگ آورد و همین خیال او را با عزام قشون به منچوری برای تصرف قطعی آن وادار کرد. ولی این اقدام او با موافقی روبرو شد و یکی از این موانع قدرت دولت ژاپون بود که در سال ۱۸۹۵ اقدامات روسیه او را مجبور بکناره گیری از دخالت در امر منچوری کرده بود. دولت ژاپون جدا با تسلط روسیه بر منچوری مخالفت کرد و این مخالفت بالاخره بچنگ معروف روسیه و ژاپون منتهی شد. جنگ‌های بری این دو دولت در سر زمین منچوری بوقوع پیوست. در منچوری

۱ - Nerchinsk . ۲ - Kiachta . ۳ - Aigoun . ۴ - Liao - toungh .

۵ - Vladivostok . ۶ - Boxers .

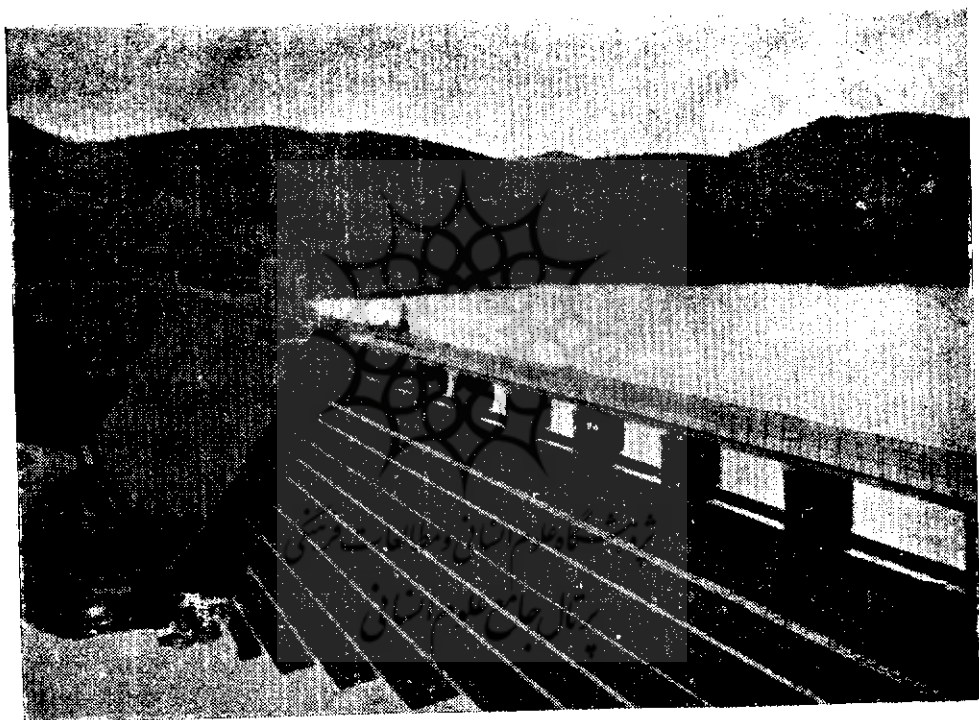
سپاهیان ژاپون قوای روسیه را که بسرمداری کورویا بکتن ۱ جنگ میگردید پس از شش ماه بطرف شمال عقب نشاندند درمو کدن شکست سختی دادند. در دریا نیز توگو^۲ امیر البحر معروف ژاپونی بر بحریه روسیه که در دست «رودژست و نسکی^۳» بود در تسوشیما شکست و ضربت سختی وارد آورد و بالنتیجه دولت روسیه مجبور بصلح شد و طرفین در «برتسموت» از شهرهای اتانزونی عهدنامه صلح را امضاء کردند (۵ سپتامبر ۱۹۰۵) و دولت روسیه براضایت دولت چین اجاره نامه ناحیه یرت آرتور و دایی رن و نیز خط آهن بین یرت آرتور و چانگ چونگ را بانمام متعلقات آن به ژاپون واگذار کرد و برای او خط آهن شرقی و غربی منچوری و خط آهن بین خارین و چانگ چونگ باقی ماند.

دولت چین نیز این عهدنامه را بر اثر معاهده یکن (۲۲ دسامبر ۱۹۰۵) برسمیت شناخت. دولت ژاپون و دولت روسیه در یکی از مواد صلحنامه برتسموت متعهد شده بودند که رشته های خط آهن منچوری را جز بکار پیشرفت امور اقتصادی و تجاری نزنند و از استفاده های جنگی بوسیله آنها خودداری کنند و چون صلح برتسموت واقعی و بی شایبه بود هر دو دولت در ترقی امور اقتصادی منچوری جهاد بایم کردند و ژاپون در این امر بیشتر سهیم است. خط آهن جنوبی منچوری پس از آنکه بژاپون واگذار شد در دست یک کمیانی تشکیلاتی را ایجاد کرد که بششکلیات یک دولت شبهه و دارای شعب متعدد و مؤسساتی مانند مؤسسات صحتی و معارفی و اداره منطقه خط آهن شد و بالنتیجه در مقابل مؤسسات کشوری منچوری دو مؤسسه قوی یکی در شمال از روسها و یکی در جنوب از ژاپونی ها ترتیب یافت که مراکز نفوذهای سیاسی و اقتصادی دو دولت قوی بودند. دول خارجی دیگر همه با این وضعیت مخالف بودند ولی چون هر یک چشم بر قسمتی از چین داشته و آن سرگرم بودند اقدام مهمی در این باب نمی کرد و تنها اتانزونی از ۱۸۹۹ بعد در اثر مجاهده در قبولانند اصل ایجاد «بندر آزاد» سعی می کرد که دامنه این نفوذ را اندکی محدود کند.

انقلابات ۱۹۱۱ — چانگ تسولین و ترقیات اقتصادی منچوری — انقلاب

۱۹۱۱ که سلسله منچو را از سلطنت انداخت در سر نوشت منچوری که ملک شخصی امپراطوران منچو بشمار می آمد مؤثر بود. و ایلیان این سرزمین در این زمان ناچار بودند که برای از دست ندادن قدرت خویش هم با طرفداران سلطنت سابق و هم با طرفداران حکومت جمهوری روی موافقت نشان داده و با احتیاط کار کنند. پس از محکم شدن اساس حکومت جمهوری چین منچوری نظیر همان حکومت داخلی خود را که سابقا داشت ادامه داد. و حتی بزودی یکی از سپاهیان جلدی ورشید یعنی چانگ تسولین قوای منچوری جز آنها را که در تحت نفوذ و ساطه خارجیان بود در دست گرفت و قدرت کاملی تحصیل کرد و بوسیله برخی از سرداران چینی که در حکومت جمهوری قدرت داشتند توانست مقام خویش را محکم تر کند و بالاخره استقلال منچوری را اعلان نماید. چانگ تسولین تا بکن و چین شمالی نیز دست و قدرت یافت و در هنگام بازگشت از یکن بزمیمت پایتخت خود مو کدن در ۱۹۲۸ بر اثر سوء قصدی که هنوز اصل آن مکشوف نشده است و در نتیجه یرت شدن تیر از راه آهن مرد و پسرش چانگ سولیا نکه جای او را گرفت و او در عین اینکه استقلال خود را حفظ کرد خود را بحکومت

مر کزی نانکن نزدیک نمود. ادارات حکومت «بانگ» ها صورت استبدادی داشت. این دولت نفوذ و قدرت خود را تنها از راه نیروی سیاهی می دانست و برای مصارف لشکری قسمت اعظم از بودجه مملکتی یعنی ۸۰ درصد آن را اختصاص داده بود. مالیاتهای سنگین مردم را سخت در فشار گذاشته بود. از این گذشته برخی از اعمال اینان جز تباهی مملکت و ملت نتیجه ای دیگر نداشت. فی المثل ادارات دولتی محصولات را از زارعین می خرید و بعد فی الفور پول مملکت را عوض میکرد و بدین ترتیب در دست آن بیچارگان جز کاغذ پاره های غیر مشخص و بی معنی هیچ نبود. آنگاه خود این محصولات را بیول جدید می فروخت و بالاینکه بخارج حمل می نمود.



سد بزرگی در نزدیکی دائیرن

از تمام قسمتهای امپراطوری سابق چین منچوری از نظر راه آهن نردنهاند تر است. راه بین منچولی ۱ و «بوگرانی چنایما ۲» در ۱۹۰۱ تمام شد و راه بین خاربین و یرت آرتور در ۱۹۰۳. در همین سال بوسیله سرمایه های انگلیسی راهی بین «نیئوچو آنک» ۳ و «شان هائی کوآن» ۴ و یکن ایجاد شد. بر اثر معاهده ۱۹۰۵ زایون حق اصلاح خطی که بین آنتونگه و موکدن ایجاد شده بود دادند.

انازونی از ۱۹۰۹ ببعده مدتی سعی کرد که مگر خطوط آهن منچوری را بصورتی درآورد که کیفیت اختصاصی از آن سبب شود و خطوطی بین الممالی گردد ولی مجاهدات اربجائی نرسید. ترقی کامل درخط آهن منچوری از سنین بعد از جنگ شروع شد چنانکه در سال ۱۹۲۳ زایون خط بین «سویینگ کائی ۱» و «تائوان ۲» را که یکی از شرب آن به «تونگ لیاو» ۳ می رسد احداث کرد. وهم زایون در سال ۱۹۲۶ خط آهن بین تائوان و «آن گانگ کی» ۴ را بوجود آورد. چنینان نیز بنوع خود در ایجاد خط آهن سعی کردند و در سال ۱۹۲۶ خط آهن بین «تائوچان» ۵ و «تونگ لیاو» و در سال ۱۹۱۹ راه بین یکن و «کی رن» را تمام کردند.

در اثر ایجاد سریع وسایل ارتباط و پیدایش نهضتی اقتصادی در منچوری با وجود آزارهایی که از حکومت «یانگها» و دستبرد راهزنان باهالی منچوری می رسید، عده مهاجرین باین مملکت زیاد شد و از ایالات شان تونگ ۶ و هو ۷ که بر اثر سیاه و قحط و غلا و انقلابات داخلی مردم آن سخت بینوا و بی چیز شده بودند عده زیادی برای زراعت یا کار در شهرها بمنچوری روی آوردند چنانکه عده مهاجرین که در ۱۹۲۳ ۴۳۳۰۰۰۰ می رسید در ۱۹۲۶ به ۵۳۲۰۰۰۰ و در ۱۹۲۷ به ۱۱۷۸۰۰۰۰ و در ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ در حدود ۱۰۰۰۰۰۰ ماند. تا ۱۹۲۵ بیشتر از این مهاجرین کارگران و زارعینی بودند که خود بنهائی بدون خانواده خود بمنچوری می آمدند. ولی پس از این سال خانواده های بزرگ با تمام علائق خود بمنچوری کوچ کردند.

اوضاع اقتصادی مملکت بین سال ۱۹۰۶ و سال تشکیل حکومت جدید بسیار ترقی کرد. در سال ۱۹۰۷ تجارت خارجی مملکت به ۷۰۳ میلیون «تائل ۸» بالغ شد و بندر دائی رن که در این سال بندری آزاد شده بود یکی از چهار پانچ بندر بزرگ شرق اقصی گشت و تعداد جمعیت که در ۱۹۰۷ ۱۴ میلیون بود در ۱۹۳۰ از ۳۰ میلیون گذشت.

جنگ چین و ژاپون و ایجاد دولت منچو کوئو - برخی از امور باعث شد که در سنین بعد از جنگ بین الممالی روابط زایون و چین تیره و کدر گردد، از آنجمله یکی مجاهداتی بود که دولت جمهوری چین بر علیه دولت زایون که چشم منافع فراوان بر چین و خصوصا منچوری داشت، میکرد. علت دیگر اختلاف این بود که بر اثر ۲۱ درخواست جدیدی که زایون در سال ۱۹۱۵ از چین نموده و قبول آنرا نیز زودی تقاضا کرده بود باعث رنجش شدید چینان از زایون شده بود. در ۱۹۲۲ کنفرانس واشنگتون برخی از آمال چین را بر آورد و برخی امتیازات از زایون برای چین تحصیل نمود از آنجمله تطویل مدت اجاره ناحیه «دائیرن» و امتیاز دو طرفی خط آهن جنوبی منچو کوئو. ولی جنگ های داخلی چین اورا از استفاده از موقعیتی که در کنفرانس واشنگتون برای او ایجاد شده بود بازداشت. از طرفی دیگر سیاست دولت چین مبنی بر اضرار روسها و زایونی ها در خط آهن جنوب منچوری بود و این امر خود باعث تیرگی روابط طرفین می باشد و نیز وقتی که چانگ سولیانگ بجای پدر نشست و حکومت نانکن نزدیک شد روابط زایون و چین بیشتر بضعف گراید. بر این تیرگی و کدورت تبلیغات ضد زایونی «کوانمین تانگ ۹» در منچوری نیز که مبنی بر اخراج زایونیها بود،

۱- Sou-ping-Kai - ۲- Taonan - ۳- Toung-liao - ۴- Angangki - ۵- Ta-heu-chan - ۶- Chan-toung - ۷- Hou-pé - ۸- Taël - { پول چینی در حدود ۱۷۵ ریال } - ۹- Kouo-min-tang

نیز افزوده شد و خطرات کاملی را در سرزمین منچوری باعث گردید. با این کیفیات گذشته‌های فراوانی از طرفین لازم بود تا از اشتعال ناپره قتل جلوگیری کند. ولی متأسفانه عملیات طرفین روز بروز بر شدت اختلافات میافزود. دولت چین میخواست منچوری را کاملاً در تحت قبضه و اختیار در آورد و دولت ژاپون نه تنها سعی داشت که مهاجرین ژاپونی منچوری را تقویت کند بلکه میخواست بر تعداد آنان نیز بیفزاید و وسائل استفاده ژاپونیان را از این سرزمین آماده تر سازد. بدین ترتیب دولت ژاپون از تبلیغات کمونیستی روسیه در سرزمین چین در وحشت بود و ناچار می با بست که روزی برای علاج این درد ها بقوه جبریه متوسل شود.

بر اثر همین اختلافات است که در غروب ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱ آتش جنگ بین دو دولت در نزدیکی موکدن زبانه زد. قشون ژاپون که بنا بر معاهده یرتسموت بنگهبانی خط آهن جنوبی منچوری مشغول بودند بزودی قسمتی از مواضع مهم را اشغال کردند.



« پویی » امپراطور منچو کؤو

چینیان دولت ژاپون را مسبب این تصادم قلمداد کردند و سرعت عملیات و پیشرفت ژاپونی‌ها را نیز دلیل این امر گرفتند ولی ژاپونیه‌ها گفته‌اند که رئیس ارکان حرب قوای محافظ خط آهن برای جلوگیری از خطرانی که ممکن بود پیش آید ناچار نقشه هائی همیشه در نظر داشت که در هنگام احتیاج بزودی اجرا کند. دولت چین در همین اوقات در قبال آنکه فارغ از اوضاع سیاست داخلی با ژاپون جنگ کند گرفتار شورشهای داخلی شده بود.

اگرچه دولت چین در موضوع اختلاف بجامعه‌ممال مراجعه کرد و کمیسیون نیز بریاست «لرد لیتون» از طرف جامعه‌ممال مامور رسیدگی اختلافات شد ولی بهر حال ژاپون با اعمال زور کار را از پیش برد چنانکه در اول مارس ۱۹۳۲ تمام ولایات منچوری در تحت حمایت سپاه ژاپون استقلال خویش را اعلان کردند و سلطنت قدیمی منچوری را تجدید نمودند و دولت جدیدی بنام منچو کؤو در تحت نیابت سلطنت «پویی» تشکیل داده و شهر «چانگ‌چون» را که اکنون «هسین کینگ» نامیده میشود پایتختی برگزیدند و دولت ژاپون این دولت را برسمیت شناخت. جامعه‌ممال که در پائیز ۱۹۳۲ تشکیل شد با وجود مجاهدات زیاد نتوانست تصمیمی در باب رفع اختلاف طرفین بگیرد و در راپرت ۲ فوریه ۱۹۳۳ برخی از منافع ژاپون را در منچوری شناخت ولی با انفصال آن از چین بنام منچو کؤو مخالفت نمود و ژاپون نیز بر اثر این مخالفت جامعه‌ممال بکناره گیری از آن اقدام کرد (۲۷ مارس ۱۹۳۳).

نایب‌السلطنه پویی در اول مارس ۱۹۳۴ بنام «کانگ‌ته» بعنوان امپراطور منچو کؤو

شناخته و امپراطوری او اعلان شد. حکومت او با هیئت وزرائی که از همان کارکنان امپراطوری سابق منچو هستند اداره میشود ولی در امور اداری و کشوری دست مستشاران ژاپونی دخالت تام دارد و از همان ماه سپتامبر عهدنامه اتحاد بین دولتین منچو کتو و ژاپون امضاء شد و اشتراك قشون دولتین وجود یکمده از دسته های قشونی ژاپون در منچو کتو بنا بر آن عهدنامه تأیید شد.

طوائف مختلفی در منچوری زندگی می کنند ولی از نظر اخلاق تقریباً تمام یکسانند و بطور کلی زندگی اجتماعی شان نزدیک به طوائف شمالی چین است. زبان عمومی چینی است و مذاهب معموله عبارتست از مذاهب کنفوسیوسی و بودائی و لامائی. نژاد مردم این مملکت با چینیان متفاوت است ولی در اثر تبعیت متمادی از چین و نزدیکی با ژاپون و مهاجرت ژاپونیان با آن منچوها با سایر طوائف آمیخته شده اند اما با اینحال هنوز قبایل خاص منچوئی در این مملکت باقیست. در قسمت غربی منچوری علمه ای از قبایل مغولی در تحت حکومت رؤسای خویش سکونت دارند.



اقتصادیات مملکت منچو کتو در تحت انقیاد دولت ژاپون ترقیات فراوان می تواند کرد. مجاهدات دولت جدید بیشتر مبتنی بر تحکیم مبانی مالی است و اولین کاروی این بود که بانکی مرکزی تشکیل داد و مسکوکات مملکت را بیک صورت در آورد و پول مملکتین منچو کتو است که دارای ۲۳ گرم و ۹۹ سانتیم تقریباً خالص است. خط آهن مملکت نیز پس از تشکیل دولت منچو کتو صورت جدیدی یافت. در ۲۳ مارس ۱۹۳۵ خط آهن شمالی منچو کتو که در دست روسیه بود از طرف دولت اخیر منچو کتو واگذار شد و بنا بر این کمیانی ژاپونی که خط آهن جنوبی منچوری را اداره میکرد ازین پس تمام خطوط آهن مملکت را در دست خواهد داشت.

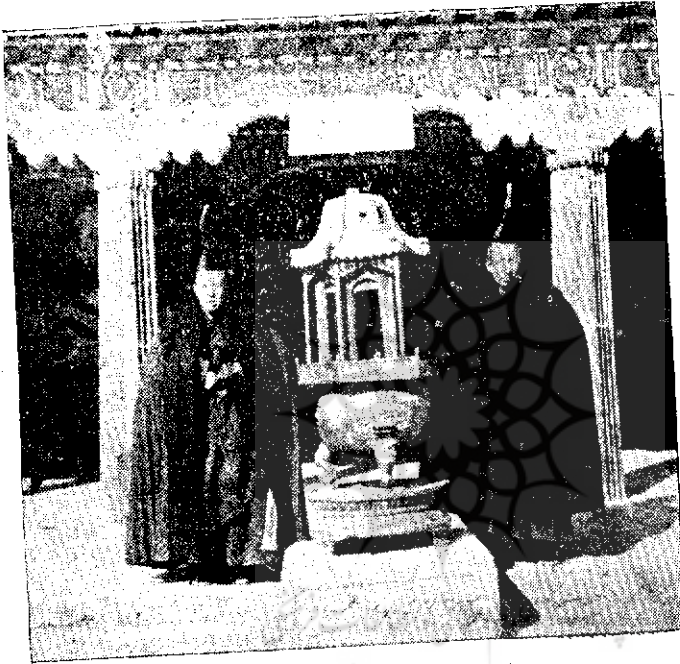
« یواه هو آ » ملکه منچو کتو

مهمترین محصولات فلاحتی مملکت « سوژا » نوعی از باقالی است که در موارد متعدد مصرف می شود یعنی هم برای خوراک انسان و حیوان بکار می رود و هم از آن روغن می کشند و هم برای تقویت زمین مفید است. از این محصول سالیانه ۵ مایون تن بدست می آید. چون در اثر بحران اقتصادی جدید تقریباً نصف این محصول از حمل بخارج باز افتاده است اخیراً در نظر گرفته اند که از آن چیزی استخراج نمایند که بجای نفت بکار رود. علاوه بر این محصول ازن و برنج هم بدست می آید.

از این گذشته منچوری از نظر تربیت حیوانات نیز بسیار غنی است. در ۱۹۳۰ عدد

اسبهای منچوری به ۳۲۵۰۰۰۰۰ و عدد حیوانات طایفه گاو به ۲۷۵۰۰۰۰۰ و عدد خوک به ۸۶۰۰۰۰۰۰ بالغ شد. اسبهای مغولی منچوری بسیار حقیر و کوچک ولی قانم و قوی هستند. پشم گوسفندان آن متوسط است.

در منچوری و مخصوصاً در قسمت شمالی آن جنگلهای بسیار خوب وجود دارد و وسعت تمام جنگلهای منچوری اندکی کمتر از نالت وسعت مملکت است. چوب این جنگلها بعد کفایت قابل استفاده است ولی تا حال وسایل کامل استفاده از آن در میان نبرد.



استفاده از منابع معدنی با آنکه هنوز قسمتی از آنها کاملاً شناخته نشده، در سالهای اخیر نسبتاً ترقی کرده است.

استخراج زغال سنگ سالیانه به ۱۰ میلیون تن می رسد و ژاپنی ها از معادن این نایب و پانسی شو و فوشون؟ استفاده می کنند و معدن فوشون بدون نقبهای زیر زمینی است و از ظاهر زمین به استفاده از آن شروع کرده اند.

روحانیون بودائی

معدن آهن در منچوری فراوانست مخصوصاً در ناحیه انشان؛ ولی چون مقدار محتوی فلز در سنگهای معدنی کم است ناچار گران تمام میشود. علاوه بر این ها طلا و مس و سرب و شیبست و برخی از معدنیات دیگر نیز در منچوری یافت می شود.

تا کنون دولت منچو کوئو را جز ژاپون و سالوادره دولت دیگری شناخته است زیرا که بنابر رأی شورای جامعه ملل در ۲۴ فوریه ۱۹۳۳ هیچک از دولی که در آن عضویت دارند حق شناسائی منچو کوئو را ندارند ولی این امر بر روابط دول خارجی با منچوری لطمه ای وارد نکرده است و مخصوصاً روابط بستنی بین الممالی در منچوری کاملاً برقرار شده است و ترتیبات کشوری و انتظام امور خارجی آن اندک اندک بر اثر نزدیکی چین و ژاپون ممکن است بجائی برسد.